

نمونه سوالات درس مقدمه علم حقوق به همراه پاسخ

۱) منابع علم حقوق چیست هریک را تشریح نمایید.

- منابع علم حقوق اصولی است که برای اثبات حق و تکلیف از آن استفاده می شود و عبارتند از :

۱. قانون : در معنی عام یعنی مقرراتی که توسط قوه مقننه و یا مجریه جهت اجرا وضع می شود

۲. عرف : عمل یا ترک عملی که مردم یا صنف مشخصی آنرا انجام داده یا ترک می کنند و به تدریج این عمل یا ترک عمل مرسوم شده به نحوی که مردم آن را نزد خود الزام آور می دانند بدون وجود قانونی در این زمینه مثلاً در معاملات ماشین عرف بر این است که وسایل همراه ماشین مثل جک و لاستیک بید جزء ماشین محسوب می شود و هنگام فروش باید تحویل شود.

تا زمانی که قانون تعیین تکلیف کرده باشید نیازی به عرف نیست اما در مواردی می توان از آن استفاده کرد مثلاً در مواردی که قانونی دستور می دهد طبق عرف عمل شود مثل ماده ۱۳۲ ، ۲۲۰ یا ۲۲۵ قانون مدنی

۳. رویه قضایی : در معنی عام رأی دادگاهها یا مجموع آراء قضایی است و در معنی خاص در جایی بکار می رود که محاکم یا دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسأله چندان تکرار شود که بتوان گفت هر گاه آن محاکم با دعوی رو به رو شوند ، همان تصمیم را خواهند گرفت .

در بیک مورد رویه قضایی اعتبار قانون را دارد که آن رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور است.

۴. آراء و نظرات حقوقدانان (دکترین حقوقی) : نظرات و اندیشه های علمای علم حقوق است که به عنوان منابع غیر مستقیم علم حقوق به کار می رود (به صورت مستقیم مستند رأی قاضی قرار نمیگیرد)

۲) در خصوص نظریه حقوق فردی یا اصالت فرد هر آنچه می دانید بنویسید. ضمناً این نظریه را با نظریه حقوق اجتماعی دولتی مقایسه کنید.

- نظریه حقوق فردی یا اصالت فرد : در این نظریه هدف قواعد حقوقی تأمین آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی اوست چرا که آنچه در عالم خارج وجود دارد انسان است و اجتماع چیزی جز انسان نیست .

- آثار مهم این نظریه به شرح ذیل است:

۱. از نظر سیاسی : تمام قوای مملکت ناشی از ملت است و دولت ها وظیفه دارند که حداکثر آزادی را برای فرد تأمین کنند .

۲. از نظر اقتصادی : رقابت در امور تجارتي پایه و اساس اقتصاد است و مبارزه ای که اشخاص برای حفظ منافع خصوصی خود می کنند در نتیجه به سود منافع عمومی است و دولت نباید در این امور دخالت کند .

۳. از نظر حقوقی : اراده فرد روح قواعد حقوقی است و قرار داد مبنای اصلی تمام سازمان ها و راه حل های حقوقی به شمار می رود و دولت باید حامی و مجری توافق اشخاص باشد .

- انتقاد از مکتب فردی : زندگی مشترک نیازها و ضرورتهای ویژه ای دارد که آزادی فردی همیشه آن را تأمین نمی کند.

اصل حاکمیت اراده همیشه عدالت و برابری را در روابط مردم سبب نمی شود زیرا آزادی اراده هنگامی تأمین کننده عدالت است که دو طرف قرار داد از نظر اقتصادی دست کم بطور نسبی برابر باشند و این درحالی است که در قرن ما گروه بزرگی از مردم به عنوان کارگر برای صاحبان سرمایه های بزرگ کار میکنند و نمی توان ادعای برابری بین این دو قشر را نمود . آزادی فعالیتها اقتصادی سبب می شود به زودی سرمایه داران بزرگ تولید و فروش را در انحصار خود گرفته و باب رقابت آزاد را مسدود نمایند.

- مقایسه بین این دو نظریه:

۱. در نظریه حقوق فردی قواعد حقوق با تأمین آزادی و تساوی اشخاص، تعیین تکالیف و حقوق را به راضی بودن طرفین واگذار می کند و قرار داد را منشأ اصلی همه روابط قرار می دهد. ولی در نظریه حقوق اجتماعی وضع اشخاص به وسیله قوانین و عرف و عادت معین می شود و چهره امری و اجباری دارد.

۲. در نظریه حقوق اجتماعی فرد هیچ حق مطلق در برابر منافع عمومی ندارد و فقط زندگی با دیگران یک سلسله تکالیف برای او بوجود آورده است آزادی او تا جایی محترم است که منافع عمومی آن را ایجاب می کند در حالی که در نظریه حقوق فردی قواعد حقوقی تأمین آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی اوست چرا که آنچه در عالم خارج وجود دارد انسان است و اجتماع چیزی جز انسان نیست.

۳) منظور از الزامی بودن حقوق چیست؟ و سایل اجبار قواعد حقوقی کدامند؟ درباره هر یک مختصراً توضیح دهید.

برای اینکه حقوق بتواند به هدف نهایی خود، یعنی استقرار نظم و عدالت برسد باید رعایت قواعد آن اجباری باشد در غیر اینصورت ضمانتی برای اجرای آن وجود نخواهد داشت.

- وسایل اجبار حقوقی:

۱. کیفر متجاوزان: ساده ترین وسیله اجبار اشخاص مجازات کسانی است که از فرمان قانون سرپیچی می کنند مانند اعدام، حبس و تبعید.

۲. اجرای مستقیم قاعده: زمانی که قاعده حقوقی بطور مستقیم توسط قوای عمومی اجرا می شود مانند غاصبی که مال دیگری را به زور تصرف کرده به حکم دادگاه از آن ملک اخراج می شود.

۳. بطلان اعمال حقوقی: زمانی که با بطلان عمل خلاف فرد مجبور به پذیرش قانون می شود مانند طلاق که نزد دو شاهد عادل بیان نشود در نظر قانون فاقد اعتبار است.

۴. مسئولیت مدنی: کسی که در اثر تجاوز به قواعد حقوقی به کسی ضرر زده باید آن را جبران کند مسئولیتی که از این راه ایجاد می شود وسیله اجبار فرد به اطاعت از حقوق است.

۴) رابطه حقوق و مذهب، حقوق و عدالت، حقوق و اخلاق را توضیح دهید.

- حقوق و اخلاق: اخلاق مهمترین منبع حقوق به شمار رفته و قانونگذار خواه و ناخواه برای حفظ نظم و تأمین اجرای قانون ناچار به رعایت قواعد اخلاقی می باشد.

در حقوق کنونی ریشه بسیاری از مقررات اخلاق است مانند لزوم وفای به عهد در قرار داد و ضرر نزدن به دیگران که دارای ضمانت اجرا از سوی قانونگذار می باشد.

- حقوق و مذهب: مذهب یکی از مهمترین نیروهای سازنده حقوق است حتی در کشورهایایی که مذهب رسمی ندارند.

در کشور ما قوانین کیفری و مدنی بر مبنای فقه امامیه استوار شده و بخش های مهمی از آن ترجمه کتب فقه است.

در مواقعی که قانون حکم خاص ندارد دادرس باید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند.

- حقوق و عدالت: دولت برای حفظ نظام عمومی و ایجاد آرامش اجتماعی ناگزیر است تا حد ممکن قواعد حقوقی را با عدالتی که نزد مردم محترم است سازگار کند چرا که قاعده ای را که مردم با عدالت و انصاف منطبق ندانند هیچ گاه به رغبت آن را اجرا نمی کنند.

۵) علم حقوق را بر اساس گرایش‌ها و کلیات تقسیم بندی کنید و هر یک را تعریف و مثالی بزنید.

- حقوق عمومی: مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که بر روابط دولت با افراد و اشخاص حاکم است و همچنین قوانینی که حاکم است بر سازمان‌های دولتی به منظور اعمال حاکمیت دولت مانند حقوق اساسی، حقوق جزا

- حقوق خصوصی: مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است و غالباً دولتها دخالتی در آن ندارند. مانند حقوق تجارت

- حقوق ملی یا داخلی: مجموعه قوانینی که در داخل مرزهای جغرافیایی کشور قابلیت اجرا دارند.

- حقوق بین‌المللی یا خارجی: مجموعه قوانین و مقرراتی است که علاوه بر داخل کشور در خارج از کشور هم (چه یک کشور و چه چند کشور) قابل اجراء است مانند اخذ تابعیت، معاهدات چند جانبه بین کشورها، حقوق بشر

۶) سیستم‌های حقوقی رایج در دنیا را نام برده و هر یک را مختصراً تشریح نمایید. مثال الزامی است.

۱. رومی ژرمنی: مبنای حقوق این دسته را قواعد روم و تعلیم‌های اخلاقی مذهب مسیح و افکار آزادیخواهانه حکیمان قرن ۱۸ تشکیل می‌دهد. مالکیت خصوصی و اصل آزادی قراردادها در این گروه محترم است. قانون مهم‌ترین منبع حقوق است و اصول کلی را باید در متون قوانین جستجو کرد. در این گروه قوای مملکت سه شعبه دارد: قوه مقننه، قوه قضاییه و قوه مجریه. برای جلوگیری از تجاوز به قانون و بازرسی آرای محاکم دیوان عالی در رأس قوه قضاییه قرار گرفته و هماهنگ ساختن آرای قضایی و رعایت قانون را تضمین می‌کند. کشورهای اروپایی بجز انگلستان و گروه کشورهای کمونیست و آمریکای لاتین دارای این سیستم حقوقی می‌باشند.

۲. کامن لا: در این گروه منبع اصلی حقوق قواعدی است که قضات در دادگاهها اعمال کرده‌اند. اصول حقوقی از قانون ناشی نمی‌شود، قانون استثنای وارد بر عرف محاکم را تعیین می‌کند. برای مطالعه حقوق این کشورها به جای مراجعه به مجموعه‌های قوانین باید رویه دادگاهها را بررسی کرد. اصول ناشی از آراء را در اصطلاح حقوق انگلیس کامن لو می‌نامند. کشورهای انگلیس، آمریکا و کانادا، ایرلند شمالی و استرالیا از این سیستم حقوقی بهره می‌برند.

۳. حقوق کشورهای کمونیستی: مبنای حقوق این گروه عقاید فلسفی کارل مارکس و انگلس است، در این گروه مبنای هدف حقوق تأمین عدالت اجتماعی و هدایت جامعه به سوی حکومت کمونیستی کامل است و به حقوق و آزادیهای فردی نظری ندارد. قانون پشتیبان و ضامن حفظ آزادیهای فردی در برابر حکومت نیست. قواعدی است که دولت برای تأمین آسایش عمومی وضع می‌کند. ملی کردن غالب وسایل تولید از خصوصیت‌های مهم این گروه است و مالکیت خصوصی به طور محدود و استثنایی پذیرفته شده است. کشورهای کوبا و چین نمونه بارز این گروه کشورها می‌باشند.

۴. حقوق اسلام: حقوق اسلام مذهبی است یعنی قواعد آن از منبع وحی سرچشمه گرفته است و به کار بردن اصول عقلی و استفاده از تاریخ اهمیت ویژه‌ای در این حقوق دارد. بخش مهمی از حقوق اسلام امضایی است یعنی عادات و رسوم متداول مردم و احکام ادیان سابق را امضا و تأیید کرده است. منابع این حقوق: قرآن، سنت، اجماع، عقل و قیاس است. کشورهای اسلامی نظیر ایران از این گروه می‌باشند.

۷) در خصوص امضاء، انتشار، مهلت اجرای قانون توضیح دهید.

- امضاء: قانون پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به وجود می‌آید و امضای رئیس‌جمهور آن را به صورت قاعده قابل اجرا در می‌آورد. لزوم امضای قوانین ناشی از اصل جدایی قوای مقننه و مجریه است چرا که قوه مقننه صلاحیت وضع قانون را دارد و نمی‌تواند آنرا اجرا کند. امضای قانون توسط رئیس‌جمهور اجباری است و او نمی‌تواند از صدور دستور اجرای آن خودداری کند.

- انتشار: انتشار قانون لازمه اجرای آن است پیش از انتشار قانون همه جاهل به آن محسوب می‌شوند و نمی‌توان آن را در مورد کسی اجرا نمود. انتشار قانون در روزنامه رسمی و زیر نظر وزارت دادگستری منتشر می‌شود.

- مهلت اجرای قانون : هر قانون ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است این مدت در صورتی است که در خود قانون زمانی برای اجرای آن در نظر گرفته نشده باشد (مثلاً نگفته باشد از فلان تاریخ اجرا شود)

۸) در خصوص جهل به قانون هر آنچه می دانید بنویسید ، ضمناً چه موقعی به تفسیر قانون پناه می بریم و اقسام قانون را نام برده و مفصلاً تشریح نمایید . مثال الزامی است.

- جهل به قانون رافع مسؤلیت افراد نیست و چهار حالت دارد :

۱. جهل به حکم که رافع مسؤلیت نیست : پس از انتشار قانون بنا بر این است که همه از آن آگاه شده اند و قانون نیز همه را مطلع فرض می کند پس چنانچه کسی عملی انجام داد که مغایر قانون است نمی تواند ادعای به اطلاعی از قانون کند . مثلاً سارقی که مال کسی را برداشته نمی تواند ادعا کند نمی دانسته این عمل جرم است.

۲. جهل به موضوع که رافع مسؤلیت هست : بطور مثال فردی گمان می کرده به شخصی مدیون است و پولی به او پرداخته است و بعد متوجه این اشتباه می شود که در این صورت پولش قابل استرداد است.

۳. جهل تقصیری که رافع مسؤلیت نیست : چنانچه قانونگذار تشخیص دهد کسی که جاهل به قانون است مقصر است و باید اطلاع کسب می کرد در این حالت جهل وی رافع مسؤلیت نمی باشد.

۴. جهل قصوری که رافع مسؤلیت هست : گاهی مردم در منطقه ای واقع می شوند که به دلایل خاصی همچون جنگ ، اشغال نظامی و ... از قانون بی اطلاع می مانند یا در صورتی که متن قانون مبهم است و معنایی را که عموم از آن فهمیده اند با تعبیر قاطع دیوان کشور منافات دارد عدالت اقتضا میکند محاکم به ادعای جاهل رسیدگی نمایند .

- تفسیر قانون : برخی قوانین نیاز به تفسیر دارند زیرا الفاظ انتخابی قانونگذار ابهام دارند و در واقع هر جا ابهامی پیش آید به تفسیر پناه می برند . تفسیر به سه نوع است : تفسیر قانونی ، تفسیر قضایی و تفسیر شخصی

- اقسام قانون :

۱. قوانین ماهوی : قوانینی هستند که شرایط ایجاد ، انتقال و زوال حقوق فردی را بیان می کنند . مانند قوانینی که جرایم و مجازاتهای افراد را مشخص می کند ، قانون تعیین سهم الارث.

۲. قوانین شکلی : قوانینی هستند که ظاهر خارجی اعمال حقوق و دعوی ها را مشخص می کنند و به ماهیت اختلاف دعوا نمی پردازند مانند تعیین شکل تنظیم وصیت نامه ، نحوه تنظیم اسناد رسمی و...

۳. قوانین امری (در فقه حکم می گویند) : قوانینی که به منظور حفظ نظم جامعه و حفظ منافع عمومی ایجاد شده و افراد نمی توانند بر خلاف آن توافق کنند مثل مشخص کردن شرایط اهلیت ، موارد فسخ عقد نکاح ، پدر ولی قهری صغار است.

۴. قوانین تکمیلی : قوانینی که اگر چه لازم الاجرا است چون در راستای نظم عمومی جامعه نیست و در راستای منافع شخصی افراد است می توانند بر خلافش توافق کنند . این قوانین لازم الاجرا است تا زمانی که بر خلاف آن توافق نکرده باشند و بعد از آن مطابق توافق عمل می کنند مانند اینکه افراد در معاملات می توانند از خیرات استفاده کنند و معامله را فسخ کنند (مثل خیار غبن) یا اینکه در قانون آمده است ثمن معامله نقد است اما می توانند بر خلاف آن توافق کنند.

۵. قوانین ادنی : قوانینی هستند که موضوعی را اعلام می کنند اما حق و تکلیفی را ایجاد نمی کنند مانند ماده ۱۲ قانون مدنی که تعریف اموال غیر منقول است.

۶. قوانین آزمایشی (موقت) : صلاحیت وضع قانون به طور کلی با قوه مقننه است ولی در موارد خاص و محدود این حق به یکی از کمیسیونهای مجلس واگذار میشود ، مدت اجرای این قوانین به طور آزمایشی است و بعد از گذشت مدت باید به تصویب نهایی مجلس برسد و اگر نرسد باطل می شود و اگر برسد مثل سایر قوانین قابل اجرا است . مانند مصوبه سن بلوغ که پس از ۵ سال توسط مجلس تصویب شد.

۹) در خصوص نسخ قانون هر آنچه می دانید بنویسید.

نسخ قانون یعنی از اعتبار افتادن آن لغو یا بی اثر کردن آن و این حق در اختیار مرجع وضع کننده یا مراجع بالا تر از آن است.

قانونهای نسخ شده را منسوخ و قوانینی که قانون گذشته را نسخ کرده اند قوانین ناسخ نامیده می شوند. قوانین نسخ شده از تاریخ نسخ دیگر اثر ندارد و اثر به گذشته نیز ندارند. مثلاً اگر تا قبل از این مالیاتی اخذ میشده و از حالا به بعد اخذ نمی شود مالیاتهای قبلی قابل استرداد نیستند و از حالا به بعد نیازی به پرداخت آن نمی باشد. ولی اگر قانون باطل شد اثرش به گذشته تسری می یابد و از بدوی که وضع شده باید تمام آثارش باز گردد.

- نسخ به دو صورت ضمنی و تصریحی است:

۱. نسخ ضمنی: زمانی که قانون جدید با قانون قدیم معارض باشد به نحوی که قابل جمع نباشند نسخ ضمنی صورت گرفته است. مثلاً اول قانون داشته ایم افراد با ۱۵ سال تمام قابل شرکت در انتخابات هستند اما قانون دوم تصویب می شود که با ۱۴ سال تمام قادر به رأی در انتخاباتند چون دو مفهوم فوق مغایرند قانون جدید که آخرین اراده قانونگذار است اجرا می شود و بطور ضمنی قانون قدیم نسخ می شود.

۲. نسخ تصریحی (صریح): اگر قانونگذار به صراحت قانون قبلی را نسخ کند نسخ صریح صورت گرفته است. مثل نسخ خرید سربازی.

۱۰) قانون در قلمرو زمان و مکان را تشریح کنید و مثال بزنید.

- اجرای قانون در قلمروی مکانی: قوانین هر کشور در داخل مرزهای آن کشور و بر همه سکنه اعم از اتباع داخلی و خارجی (افراد) و اموال داخل کشور قابل اعمال و اجراست. در مورد قواعد مربوط به احوال شخصیه استثناء وجود دارد.

- قوانین به لحاظ قلمرو به ۴ دسته تقسیم می شوند:

۱. قوانین حاکم بر اموال: مانند نقل و انتقال و تقسیم بندی اموال که در این موارد قانونی اجرا می شود که مال در آنجا واقع شده است. (ماده ۹۶۹)

۲. قوانین نحوه تنظیم سند: تابع محلی است که سند در آن محل تنظیم شده می شود (ماده ۹۶۹)

۳. قوانین مربوط به نظم عمومی و امنیت جامعه: مثل قوانین کیفری که ۱۰۰٪ درون مرزی هستند و در مورد همه افرادی که در یک کشور زندگی می کنند اجرای می شود.

۴. قوانین مربوط به احوال شخصیه: البته این قوانین می توانند برون مرزی هم باشند.

- اجرای قانون در قلمری زمانی:

قوانین از ۱۵ روز بعد از انتشار لازم الاجرا هستند مگر در مواردی که در قانون تاریخی معین شود (ماده ۴) و قوانین تا زمان تصویب قانون بعدی که آنرا نسخ کند اجرا می شود.

قانونگذار به جز قوانین جزایی سایر قوانین را می تواند عطف به ما سبق نماید.

- مواردی که قانون عطف به ماسبق می شود:

در قوانین حقوقی فقط قانونگذار می تواند عطف به ماسبق کند مانند قوانین تفسیری ، کاهش مجازاتها و قوانینی که جنبه شکلی دارند بعلمت عدم تضییع حق عطف به ماسبق می شوند . مثال : عملی قبلاً جرم بوده والان جرم نیست مثل خروج از کشور چون به نفع متهم است عطف به ماسبق می شود و متهم پس از تقاضای اعاده دادرسی آزاد می شود.

قانون جدید نباید به حقوق مکتسبه افراد لطمه بزند و در حقوق و جرائم باید طوری از قاعده عطف به ماسبق نشدن استفاده کرد که به حقوق افراد لطمه وارد نکند .

۱۱) حقوق مالی و غیر مالی را تعریف و کاملاً تشریح کنید و مثال بزنید .

- حقوق غیر مالی : حقوقی هستند که برای رفع نیازهای غیر مالی افراد وضع شده اند و قابل ارزیابی مادی و داد و ستد نیستند ، مثل حقوق زوجین نسبت به یکدیگر یا حقوق فرزند نسبت به پدر و مادر .

- حقوق مالی: بر عکس حقوق غیر مالی است و حقوقی است که برای رفع نیازهای مادی و مالی افراد ایجاد شده و قابل ارزیابی مالی و داد و ستد است . هدف از ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده از اشیاء بین اشخاص وجود دارد .

۱۲) حقوق دینی و عینی را تعریف و کاملاً تشریح نمایید مثال الزامی است.

- حق عینی : حقی است که شخص نسبت به اشیاء (اعیان و اموال) موجود در خارج دارد و براساس آن حق می تواند در آن شیء تصرف کرده و از آن استفاده مطلوب را ببرد . مهمترین و کاملترین حق عینی اصلی حق مالکیت است . از دیگر حقوق عینی حق انتفاع (بهره برداری) و حق ارتفاق (حقی که شخص نسبت به ملک دیگری دارد برای اینکه بهتر از ملک خود استفاده کند مثل حق عبور از ملک مجاور) است

- حق عینی دو رکن دارد : موضوع حق ، صاحب حق

- حق عینی بر دو نوع است:

۱. اصلی : مستقل است و تابع دین نیست

۲. تبعی : به موجب حق عینی تبعی عین معینی وثیقه طلب قرار می گیرد و به طلبکار حق می دهد در صورت عدم پرداخت دین طلب خود را از آن عین استیفا نماید . به طور کلی تابع دین است مثل رهن ، گرو یا وثیقه کردن

- حق دینی : حقیست که يك شخص نسبت به شخص دیگر دارد که بر اساس آن حق می تواند از شخص دیگر انجام یا ترك کار یا انتقال مالی را بخواهد . مثال : اگر کسی از شخص دیگری پول طلب دارد این حق از نوع دینی است . حق دینی سه رکن دارد : بستانکار ، بدهکار ، موضوع تعهد

۱۴) در خصوص مال و دارایی هر آنچه می دانید بنویسید ، ضمناً در خصوص سرقتی و حق کسب و پیشه مفصلاً فقهی و حقوقی توضیح دهید.

- دارایی : مجموع حقوق و تکالیف مالی شخص را دارایی می گویند ، هیچ کس بدون دارایی فرض نمی شود زیرا حداقل مالک لباس و غذایی که به مصرف می رساند هست .

- دارایی سه خصوصیت دارد :

۱. دارایی کلی است حقوقی و مستقل از اجزای خود

۲. تنها حقوق و تکالیف مالی جزو دارایی است

۳. دارایی از مفاهیم وابسته به شخص است

- مال : مال بر دو نوع است :

۱. منقول : اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید را مال منقول می گویند .

۲. غیر منقول : مال غیر منقول اموالیست که نمی توان از محلی به محل دیگر منتقل کرد بدون اینکه ضرری به مال یا محل وارد شود مانند اشیاء منصوب به بنا ضابطه تشخیص اموال قابلیت و امکان حمل و نقل آن است.

- سرقتی : پولی است که در ابتدای عقد اجاره به هر علتی، توسط مالک از مستأجر دریافت می شود . در این حالت ملک به خریدار فروخته نمی شود و تنها فضای ملک است که مورد معامله قرار میگیرد .

- حق کسب و پیشه و تجارت : از لحاظ حقوقی یعنی حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می شود به زبان ساده تر یعنی چنانچه کسی محلی را برای کسب و کار اجاره نمود و بعد از مدتی اعتبار و شهرت تجاری کسب نموده ، هنگام تخلیه محل مذکور حق دارد مبلغی بعنوان شهرت و اعتبار تجاری کسب شده از مالک یا مستأجر بعدی دریافت نماید . این حق از لحاظ قانونی بنا بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۷۶ غیر قانونی شناخته شده است و قابل استیفاء نمی باشد .

از لحاظ فقهی نیز حق کسب و پیشه و تجارت وجهه شرعی نداشته لیکن حق سرقتی بنا بر شرایط خاص خود قابل دریافت می باشد .

۱۴) اعمال حقوقی و وقایع حقوقی را تعریف کنید ، مثال الزامی است.

- وقایع حقوقی : بخشی از وقایع است که آثار حقوقی آن ارادی نیست یعنی برای ایجاد یک اثر حقوقی به وجود نمی آید ، ممکن است ایجاد آن هم ارادی نباشد به زبان دیگر وقایعی است که شخص فاعل برای ایجاد آثار حقوقی آنها را انجام نداده است . مانند : تولد ، فوت و ...

- اعمال حقوقی : اعمالیست که با اراده فاعل برای ایجاد آثار حقوقی مشخص به وجود می آید که البته ممکن است قانونگذار برای آن عمل آثاری حقوقی بشناسد مثل عقود و ایقاعات

۱۵) عقد و ایقاع را کاملاً توضیح و تشریح کنید . تفاوت این دو در چیست ؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

- عقد : اگر دو یا چند نفر در موضوعی توافق کنند عقد یا قرار داد صورت گرفته است عقد دو صفت اساسی دارد : اول در اثر توافق دو یا چند نفر به وجود می آید ، دوم منظور از آن ایجاد تعهد باشد.

همیشه در عقد یا قرار داد دو طرف وجود دارند و قرار داد یک موضوع دارد که طرفین باید نسبت به آن موضوع توافق کنند . مانند قرارداد اجاره و ...

- شرایط صحت عقد عبارتند از :

۱. قصد و رضایت طرفین قرار داد

۲. اهلیت قانونی طرفین قرار داد

۳. موضوع یا مورد قرار داد

- ایقاع: اعمال حقوقی دسته دومی به نام ایقاع وجود دارند که یک عمل حقوقی یک جانبه است که نیازی به موافقت طرف مقابل ندارد مثل فسخ قرار داد در شرایط خاص، صرف نظر کردن از طلب، حق طلاق برای مرد

- تفاوت: مهمترین تفاوت این دو این است که در ایقاع یک شخص تصمیم میگیرد و اثر حقوقی بر آن بار می شود یا به زبان دیگر یک امر یک طرفه است لیکن عقد یا قرار داد دو طرف تصمیم گیرنده هستند و امری است دو طرفه.

۱۶) انحلال قرار داد چه زمانی است و در خصوص آثار قرار داد توضیح دهید.

- انحلال قرار داد زمانی صورت می گیرد که طرفین قرار داد رضایت به انحلال آن داشته باشند و بر دو نوع است:

۱. فسخ ارادی: زمانی که قرار داد خود امکان بر هم زدن عقد را پیش بینی می کند یا از آن ضرری ناروا به بار می آید قانون به زیان دیده یا مشروط له حق فسخ می دهد. مانند خیار شرط، خیار غین، خیار عیب و...

۲. انفساخ قهری: تلف موضوع معامله اگر به دلایل خارجی و بدون اهمال فروشنده صورت پذیرد باعث انحلال قهری و خود به خود عقد می شود.

- آثار قرار داد:

۱. اصل نسبی بودن قراردادهای: اصل این است که قرار دادها فقط بین طرفین و قائم مقام قانونی (جانشین قانونی) آنها لازم الاتباع و لازم الاجرا است و نسبت به اشخاص ثالث اثری ندارد.

۲. اصل لزوم قراردادهای: اصل این است که قراردادی که طرفین منعقد می کنند بین آنها الزام آور است. یعنی هیچ یک از طرفین حق برهم زدن آنرا ندارد مگر در مواردی که قانون آنها را معین کرده مثل فسخ به موجب قانون، اقاله، انفساخ

۳. قدرت اجبار کننده قرار داد: دو طرف قرار داد باید مفاد آنرا محترم شمارند و آنچه را که به عهده دارند انجام دهند. در فرضی که عقد جایز است تا زمانی که از خیار فسخ استفاده نشده این قدرت باقی است.

۱۷) ادلای اثبات دعوا کدامند؟ نام برده و مختصراً تشریح کنید. ضمناً به صورت کاملاً مشروح و کاربردی بفرمایید شرایط اقامه دعوا چگونه است؟

- ادله اثبات دعوا:

۱. اقرار: مهمترین دلیل برای اثبات حق است یعنی شخص خیر دهد به وجود حقی به ضرر خودش و به نفع دیگری (اقرار العقلای علی انفسهم، جایز)

۲. اسناد: سند نوشته ای است که در مقام دفاع یا دعوی قابل استناد باشد و بر سه نوع است: رسمی، عادی و تجاری

۳. شهادت: عبارت از بیان اطلاعاتی است که شخص به طور مستقیم از واقعه ای دارد

۴. امارات: اماره پدیده ای است که نشان دهنده و علامت امور دیگر است و اگر طبق ظاهر و به صورت طبیعی مراحلش را طی کند آن اثر را خواهد داشت. اماره بر دو نوع است: اماره قانونی و قضایی.

۵. قسم یا سوگند : سوگند اخبار به حقی است که شخص برای خود و به زبان دیگری می کند و خداوند را گواه راستگویی خویش میگیرد . سوگند بر دو نوع است : بتی و استظهاری

- شرایط اقامه دعوا : اختیار دادخواهی را در صورتی می توان به کار برد که سه شرط وجود داشته باشد:

۱. داشتن نفع : برای اقامه دعوا وجود حق به تنهایی کافی نیست و باید خواهان در این کار نفع مشروع و عقلایی داشته باشد لذا اگر اثبات دعوا و صدور حکم هیچ نفع مادی و معنوی برای او نداشته باشد در خواست مدعی پذیرفته نمی شود .
۲. داشتن اهلیت : اقامه دعوا يك عمل حقوقی است پس برای انجام دادن آن باید اهلیت تصرف داشت . صغیر ، سفیه و مجنون و ورشکسته در امور مالی خود صلاحیت اقامه دعوا ندارند .
۳. داشتن سمت : کسی دادخواهی می کند یا به دفاع از دعوا می پردازد که برای خود نفعی تصور کند ، ولی لازم نیست که شخص ذینفع در دعوا شرکت داشته باشد وکیل یا نماینده قانونی اصحاب دعوا نیز می تواند به جای آنها در دادرسی دخالت کند.